بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

خارج فقه جلسه92..6/11/1399

( فصل فی المطهرات : الاستحالة - هل یطهر الاستحالةُ متنجسا ؟ - فیه قولان - الاشکال الاستاذ علی قول یدل علی عدم مطهریتها للمتنجس

بحث دوم این است که آیا استحاله متنجس را پاک می کند ؟ ( متنجس مثل لباس خونی یا فرش بولی ) حالا اگر این لباس بسوزد ایا خاکستر آن پاک است یا نه ؟ یا حتی وسایل و ابزار آلات بیمارستانی ، مثلا با سوختن خاکستر آن پاک هست یا نه ؟ دو قول هست :

قول اول : جماعتی از فقها استحاله را مطهر متنجس دانسته اند مستفاد از بعض کلمات فقها مثل صاحب جواهر ره این است که این مساله اجماعی است

قول دوم :عده ای از فقها تفصیل داده اند بین استحاله نجس که مطهر است و بین استحاله متنجس که مطهر نیست لذا اگر لباس یا فرش نجس را بسوزانند خاکستر آن نجس است عمده دلیل تفصیل ، انعدام موضوع در اعیان نجسه بتوسط استحاله و عدم انعدام موضوع در اشیای متنجسه است فاضل هندی ره در کتاب کشف اللسان دراین باب فرمودند که وقتی سگ ، نمک می شود موضوع منعدم می شود این نمک دیگر عنوان کلب ندارد لذا استحاله در عین نجس پاک کننده است اما در اشیای متنجس اگر بسوزد و یا هر گونه استحاله ای انجام شود موضوع آن عوض نمی شود و از بین نمی رود

شاهدش این است که بعد از نمک شدن کلب استصحاب نجاست جاری نیست بلکه قاعده طهارت جاری است چون تبدل موضوع حاصل شده اما در اشیای متنجس جایز است بعد از سوختن استصحاب بقای نجاست جاری شود برای اینکه جسم این لباس خونی شده و خاکستر همین جسم پارچه است و لذا تبدلی و انعدامی صورت نگرفته ، و استصحاب نجاست حاکم بر قاعده طهارت است ، در جواهر ج ۶ ص ۲۷۰

اشکال استاد :

اولا : انعدام موضوع در اعیان نجسه مثل عنوان کلب مانع شمول اطلاق دلیل نجاست می شود و ربطی به استصحاب نجاست ندارد آیات و روایاتی که اجتناب از کلب و عذره را واجب می دانند استحاله باعث می شود اینگونه ادله اطلاق نداشته باشد و شامل نمک و یا خاکستر نشود که اگر کلب نمک شد باید اجتناب کرد ؟ خیر چون موضوع عوض شد و هم چنین اگر عذره خاک شود و اینجا کاری به استصحاب نداریم بلکه جلوی اطلاق ادله وجوب اجتناب از اینها را می گیرد

ثانیا : مرجع در بقای موضوع عرف است و ملاک عرف در تشخیص بقای موضوع اتحاد موضوع است آنهم به حدی موضوع متحد باشد که نتوانی از حالت سابقه اش بخاطر شک دست برداری ولی درجایی که استحاله شود دیگر موضوع متحد نیست و می شود از حالت سابقه دست کشید چه کلب نمک شود و یا خاکستر شود و چه چوب نجس خاکستر شود موضوع عوض شده و وحدت موضوع نیست ، استصحاب در جایی است که موضوع قضیه مشکوکه و متیقنه متحد باشد اما دراینجا کاملا موضوع عوض شد و تفصیل بین عین نجس و متنجس بلا وجه و بدون دلیل است چون متبدل به ( مثلا دود است ) یک شیی است و متبدل منه (مثل لباس نجس) شیی دیگری است آنچه سابقا با نجس ملاقات کرد شیی بود و الان که استحاله شد شیی دیگری است لذا حکم از آن شیی به این شیی سرایت نمی کند و حکم آن فرد به این فرد داده نمی شود◼️ این اشکال ما دو تا مؤید دارد :

مؤید اول :سیره مسلمین که وقتی حیوان غذای نجسی بخورد بول آن را نجس نمی دانند چون استحاله شده است

مؤید دوم :دو روایتی است که در مورد گچ آمده یکی صحیحه حسن بن محبوب و دیگر صحیحه علی ابن جعفر علیه السلام که از امام باقر علیه السلام سوال می کنند که اگر گچ را با عذره و استخوان حیوانات مردار بپزند سپس آن گچ را برای محل سجده یا مسجد استفاده کنند می شود سجده کرد یا نه ؟ امام فرمودند بله چون إن الماء و النار قد طهَّراه در اینجا گچ متنجس است و اتش آن را استحاله کرد پس استحاله در متنجس به برکت این دو روایت مطهر است و تفصیل نمی خواهد بله اشکالاتی در این دو روایت است که از نظر فقها درباره دلالت آن ظهوراتی را ذکر کرده اند که بعضی منجر به اجمال شده مثل مرحوم خویی قائل به اجمال شد و این حدیث در بحث مکان سجده قبلا بررسی شد و چون این اشکالات بود گفتیم مؤید است و الا می گفتیم و یمکن ان یستدل